

## بررسی ایکونوگرافی و سبک‌شناسی: روشی برای آنالیز کاربری و گاهنگاری مهرهای استوانه‌ایی کاسیت (۱۶۰۰-۱۲۰۰ پ.م.)

جاکو ماریا تابیتا<sup>۱</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NB.2021.22829.2224

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۲۶-۱۰۱

### چکیده

کاسیت‌ها یکی از اقوام ایرانی بودند که در دامنه‌های زاگرس سکونت داشته‌اند. بسیاری از پژوهشگران با توجه به مطالعات باستان‌شناسی، زبان‌شناسی و منابع مکتوب، مکان اصلی آن‌ها را احتمالاً در رشته‌کوه‌های زاگرس (منطقه لرستان کنونی) می‌دانند. کاسیت‌ها از قرن ۱۷/۱۶ پ.م. بابل را تحت تسلط خود درآوردند و در اواخر قرن ۱۲ پ.م. عیلامیان به حکومت آن‌ها در بین‌النهرین پایان دادند. کاسیت‌ها تأثیر بسزایی در پادشاهی بابل و کاردونیاش داشتند. درخصوص تاریخ، باستان‌شناسی، و هنر دوره کاسیت مطالعات چشمگیری در خارج از ایران صورت گرفته است و نتایج این پژوهش‌ها به صورت کتاب‌ها و مقالات گوناگونی منتشر شده است، اما تا به حال تحقیقی درخور توجه درخصوص این دوره در ایران صورت نگرفته است. این مقاله به بررسی و توصیف هنر حکاکی روی مهرهای استوانه‌ایی دوره کاسیت در اواخر عصر مفرغ تا اوایل عصر آهن می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی (محتوایی) می‌باشد که براساس مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. این پژوهش در پی پاسخ دادن به چندین پرسش می‌باشد؛ عمده‌ترین پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: ۱- مهرهای کاسیت به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ ۲- کاربری و تاریخ‌گذاری این مهرها چگونه بود؟ بر این اساس هنر حکاکی مهرهای استوانه‌ایی دوره کاسیت به چهار سبک مختلف تقسیم شده‌اند. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که مهرهای کاسیت تحت تأثیر ارتباطات فرهنگی با بابل قدیم و آشور ساخته شده‌اند. سبک و ایکونوگرافی و کتیبه‌های مهرها نشان‌دهنده کاربری شخصی (خصوصی) و یا رسمی (اداری) آن‌ها است. تاریخ‌گذاری طبق ایکونوگرافی، سبک‌شناسی و کتیبه‌ها مهرها صورت گرفت. سبک اول و دوم را می‌توان در حدود قرن ۱۴-۱۳ پ.م. تاریخ‌گذاری کرد. مهرهای شبه‌کاسیت را می‌توان با مهرهای گروه اول هم‌دوره هستند. استفاده از سبک سوم در حدود قرن ۱۴-۱۳ پ.م. آغاز شد تا اواخر قرن ۱۲ پ.م. ادامه یافت. کشف مهرهای کاسیت در مصر و یونان احتمالاً نشان‌دهنده تبادلات فرهنگی و سیاسی در منطقه از اواخر عصر مفرغ تا اوایل عصر آهن است.

**کلیدواژگان:** کاسیت، حکاکی مهر استوانه‌ایی، ایکونوگرافی، بین‌النهرین، ایران.

**مقدمه**

کاسیت‌ها در زمان حکومت خود بر بین‌النهرین تأثیراتی زیادی بر بابل و کاردونیاش برجای گذاشتند. تسلط این قوم ایرانی بر بین‌النهرین بیش از ۵ قرن به طول انجامید؛ هرچند از این دوره آثار زیادی برجای نمانده است، اما بسیاری از پژوهشگران با توجه به همین آثار از جمله صنعت فلزکاری، مهرهای کاسیت، نقش برجسته‌ها و کتیبه‌ها بر روی کودورها به مطالعه و شناسایی این قوم پرداخته‌اند. مهرهای کاسیت اولین سال‌های حکومت آن‌ها تا زمان انقراض تولید شدند و حاوی اطلاعات ارزشمندی در خصوص فضای اجتماعی، مذهبی و سیاسی جامعه کاسیت هستند؛ هرچند یافته‌ها و مدارک باستان‌شناسی کاسیت در بین‌النهرین (قلمروشان) اندک هستند، اما تعداد چشمگیری از مهرهای کاسیت در خارج از بین‌النهرین به دست آمده است. آثار کاسیت از مالت (Malt) و از طریق یونان (Mayer, 2011: 141-153; 1983: 65-132) تا لرستان، و از شمال تا متسامور<sup>۱</sup> (Khanzadyan-Piotrovskii, 1984: 59-65) در ارمنستان و حسنلو<sup>۲</sup> (Marcus, 1991: 549-551) و از جنوب تا منطقه عیلام یافت شده‌اند (ر. ک. به: Porada, 1970).

بر این اساس در این پژوهش ابتدا به خاستگاه قوم کاسیت، و سپس معرفی سبک‌های مهرهای کاسیت پرداخته می‌شود. در ادامه، گاهنگاری و کاربری مهرها مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس با توجه به بررسی ایکونوگرافی و سبک‌شناسی مهرهای کاسیت به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

کاسیت‌ها یکی از اقوام ایرانی بودند که توانستند در حدود ۵۰۰ سال بر تمدن بابل حکومت برانند. محققان فراوانی در سراسر جهان به مطالعه باستان‌شناسی، تاریخ، تاریخ سیاسی و هنر این قوم ایرانی در بابل پرداختند؛ اما تا به حال از سوی محققان ایرانی تحقیقی درخور توجه در خصوص مهرهای کاسیت صورت نگرفته است.

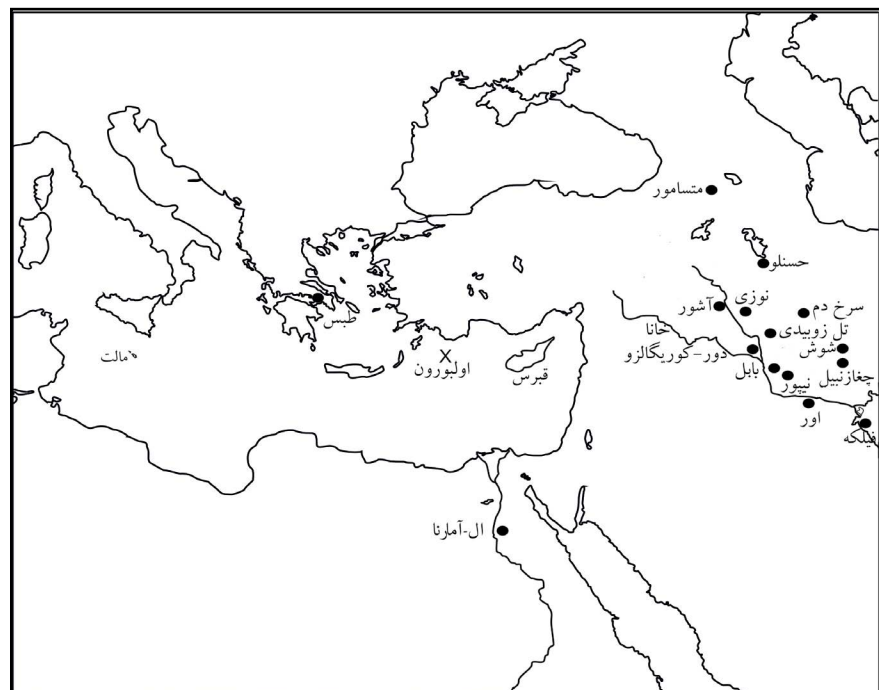
**اهداف و ضرورت پژوهش:** این مقاله به بررسی و توصیف هنر حکاکی مهرهای استوانه‌ای کاسیت در اواخر عصر مفرغ تا اوایل عصر آهن می‌پردازد و در صدد پی بردن به کاربری و گاه‌نگاری مهرها می‌باشد؛ از طرفی سعی در شناسایی تأثیرات فرهنگ‌های مناطق همجوار و ارتباطات بین‌المللی در دوره کاسیت دارد.

**پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش:** بر این اساس برای درک دقیق از وضعیت مهرهای دوره کاسیت پرسش‌هایی از این دست مطرح می‌شود: ۱- مهرهای کاسیت به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ ۲- از چه فرهنگ‌هایی تأثیر پذیرفته‌اند؟ ۳- کاربری این مهرها چگونه بود؟ ۴- تاریخ‌گذاری آن‌ها به چه صورت انجام می‌گیرد؟ ۵- آیا مهرها نشان‌دهنده تبادلات فرهنگی و بین‌المللی در دوره کاسیت هستند؟ فرضیه‌های پژوهش بیانگر این است که مهرهای کاسیت را می‌توان به چهار سبک مختلف تقسیم کرد، و نشانه‌های تأثیر فرهنگ‌های بابل و آشور بر روی مهرها دیده می‌شود؛ این مهرها کاربری شخصی و رسمی داشته‌اند؛ کتیبه‌ها، سبک‌شناسی و ایکونوگرافی حاکی از آن است که مهرهای کاسیت در حدود قرن ۱۴ تا اواخر قرن ۱۲ پ.م. ساخته شده‌اند؛ و در نهایت، کشف مهرهای کاسیت در مناطق دور همانند طبس، احتمالاً دلالت بر روابط بین‌المللی در اواخر عصر مفرغ و اوایل عصر آهن دارد.

**روش پژوهش:** به منظور تشخیص سبک‌های مهرهای کاسیت از چندین عنصر تاریخی، ایکنوگرافی و سبک‌شناسی بهره گرفته می‌شود. روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش توصیفی-تحلیلی (محتوایی) می‌باشد و براساس مطالعات کتابخانه‌ای، شامل مطالعه، بررسی و تحلیل دقیق مهرهای استوانه‌ای، اثرمهرها بر روی گِل نوشته‌ها، پاکت‌های بسته‌بندی گِل نوشته‌ها و بولاها<sup>۲</sup> انجام شده است. این مهرها از محوطه‌های کاسیت (نوزی و نیپور) در بین‌النهرین، عیلام (چغازنبیل)، ارمنستان (متسامور)، لرستان (سرخ‌دم) و یونان (طبس)<sup>۳</sup> و مجموعه‌های مختلف به دست آمده‌اند (نقشه ۱). در راستای مطالعات کتابخانه‌ای از کتابخانه‌های گوناگون و کاتالوگ‌های موزه‌های مختلف دنیا استفاده شده است.

### پیشینه پژوهش

براساس مطالعات انجام‌شده سال ۱۹۳۹م. در فرانکفورت، مهرهای کاسیت به دو گروه تقسیم شده‌اند؛ گروه اول، از سبک بابل قدیم (صحنه و کتیبه) نشأت گرفته‌اند؛ و گروه دوم، جدیدتر و با ظرافت بیشتری است (Van Buren, 1954a; Idem, 1954b). صحنه‌های اساطیری بر روی مهرهای این گروه یادآور مهرهای آکدی هستند. «برن» مهرهای کاسیت را به سه گروه تقسیم‌بندی کرد (Beran, 1957-1958). «پرادا» با مطالعه بر روی مهرهای چغازنبیل گروه چهارمی را در نظر گرفت که تحت تأثیر سبک مهرهای گروه اول ساخته شده بودند؛ این گروه «شبه-کاسیت» نام‌گذاری شد (Porada, 1970). مطالعات بعدی (Trokey, 1981; Collon, 2007) و مطالعاتی که اخیراً صورت گرفته است (Matthews, 1990; Idem, 1992; Stiehler-Alegria, 1996) امکان تقسیم‌بندی بهتر سبکی-نمادی مهرها را فراهم کرده است؛ با این حال شناسایی دقیق



► نقشه ۱. محوطه‌های نام‌برده شده در پژوهش (نگارنده، ۱۳۹۹).

محل کارگاه‌ها و نحوه استفاده از این مهرها امکان‌پذیر نیست. پیش از این پژوهش در ایران هیچ‌گونه مطالعه‌ای درخصوص سبک‌شناسی و کاربرد مهرهای کاسیت صورت نگرفته است.

### خاستگاه کاسیت‌ها

نام «کاسیت»<sup>۵</sup> نخستین بار در قرن ۱۸ پ.م. ظاهر شد. آن‌ها از قرن ۱۶-۱۷ تا در حدود ۱۱۵۵ پ.م. بر بابل حکم راندند. کاسیت‌ها تأثیر بسزایی در پادشاهی بابل و کاردونیش برجای گذاشتند (Brinkman, 1968; 1976). عیلامیان در قرن ۱۲ پ.م. بابل قلمرو کاسیت‌ها را به تصرف درآوردند و به حکومت آنان در بین‌النهرین پایان دادند. کاسیت‌ها یکی از اقوام ایرانی بودند که در دامنه‌های زاگرس سکونت داشته‌اند. بسیاری از پژوهشگران مکان اصلی این قوم را کوه‌های زاگرس در لرستان می‌دانند (Potts, 2006: 113). به عقیده «سامرفلد» (Sommerfeld) کاسیت‌ها از کوه‌های زاگرس به بابل مهاجرت کرده‌اند (Sommerfeld et al., 1995: 917). «لوین» خاستگاه کاسیت‌ها را مناطق شرقی بابل در قسمت‌های شرقی رودخانه زاب می‌داند (Levine, 1973: 22). مطالعات زبان‌شناسی «زداک» (Zadok) حاکی از آن است که نام‌های کاسیت دومین گروه بزرگ پس از نام‌های ایرانی در «ماد بزرگ» هستند (Zadok, 2002: 70)؛ بنابراین ممکن است در هزاره اول پیش از میلاد جوامع کاسی‌زبان در زاگرس غربی ساکن بودند. نام‌های آن‌ها متمایز از نام‌های عیلامی (همسایه جنوبی) بودند؛ زیرا در اواسط هزاره اول پیش از میلاد ساکنان جنوبی لرستان، حوالی پلدختر، نام‌های عیلامی داشتند، موقعیت کاسیت‌ها (در دوران پساکاسیت) در زاگرس جنوبی و شاید مرکزی حاکی از آن است که این دو گروه احتمالاً قرن‌ها با یکدیگر ارتباط نزدیک داشته‌اند. احتمالاً مناطق جنوبی زاگرس پل ارتباطی بین عیلامی‌ها و کاسیت‌ها بوده است (Potts, 2006: 114).

علاوه بر این، منابع آشور نو تأیید می‌کنند که کاسیت‌ها در آن دوره در زاگرس غربی زندگی می‌کردند. در دومین لشکرکشی «سناخریب» (پادشاهی ۷۰۵-۶۸۱ پ.م.)، وی پس از پایان نبرد خود در سرزمین کاسیت‌ها، روبه سرزمین الیبی نهاده است (Grayson & Novotny, 2012, Sn.3: 20-26).

«ایلرز» (Eilers) معتقد است منشأ نام «رودخانه کشکان» را می‌توان «رودخانه کاسیت» یا «رودخانه کاشو» در نظر گرفت (Eilers, 1982: 37). برای درک بهتر نام کاشو بهتر است به معنا و مفهوم آن پرداخته شود؛ کاشو، به طور کلی، به معنای قوی و عظیم ترجمه شده است و برای رودخانه‌ها به معنای سیلاب، سیل مخرب، عظیم و قدرتمند استفاده می‌شود (Black et al., 2000: 152; Gelb et al., 1964: 158). این تفاسیر یادآور رودخانه کشکان هستند. این رودخانه در فصل‌های بارانی سال خسارات فراوانی برجای می‌گذارد. کشکان، مخرب‌ترین و سیل‌آسازترین رودخانه در لرستان به شمار می‌رود.<sup>۸</sup> بر این اساس، دو تئوری را می‌توان بررسی کرد. ابتدا، اگر بپذیریم که کاسیت‌ها پس از بازگشت از بابل به کوه‌های زاگرس بازگشته‌اند، ممکن است نام خود را بر روی منطقه‌ای گذاشته‌اند که در آن ساکن شده‌اند؛ بنابراین، اگر آن‌ها کرانه رودخانه کشکان

را برای زندگی برگزیده بودند، ممکن است نام رودخانه از نام کاسیت‌ها برگرفته شده باشد. دوم این‌که کاشو در مفهوم کلی به معنای قوی و عظیم است؛ احتمالاً نام کشکان تنها بر ویژگی مخرب و سیل‌آسای آن دلالت دارد. با توجه به تئوری دوم، کاسیت‌ها و مکان زندگی آن‌ها ارتباطی با نام رودخانه نخواهد داشت. با در نظر گرفتن مفهوم واژه «کاشو»، احتمالاً ساکنان بین‌النهرین نام کاسیت را برای کوه‌نشینان تازه‌واردی انتخاب کرده بودند که از کوه‌های زاگرس وارد به بابل شده‌اند؛ چراکه این قوم قدرتمند بودند و توانایی زیادی در نبرد داشتند (Hadipour, 2020: 45-6)؛ اگرچه خاستگاه اصلی کاسیت‌ها به طور قطع شناخته شده نیست، اما براساس آن چه گذشت می‌توان آن‌ها را به عنوان قومی ایرانی ساکن در کوه‌های زاگرس در نظر بگیریم.

### مهرهای کاسیت

مهرهای استوانه‌ای کاسیت قدیم (سبک اول، ۱۶-۱۵ پ.م.) تحت تأثیر مهرهای بابل قدیم (قرن ۱۷ پ.م.)<sup>۱</sup> (شکل ۱) هستند. مهرهای سبک اول کاسیت همانند مهرهای بابل قدیم، فردی را در مقابل خدایی به نمایش می‌گذارند (Al-Gailani Werr, 1988)؛ اما دو عنصر جدید، کتیبه طولانی (در ستون‌های بیشتری) مربوط به نیایش و علائم کوچکی (نقوش ثانویه) از قبیل: صلیب، رزتا، مگس، سگ و لوزی (نسبت به سبک بابلی) به صحنه‌ها اضافه شد. این علائم بر روی کودوروهای<sup>۲</sup> کاسیت نیز مشاهده می‌شود (شکل ۱)، (Beran, 1957-58: 262). بر روی مهرهای گروه اول، الهه‌ای فرد نیایشگر را به خدایی نشسته بر تخت معرفی می‌کند (شکل ۲)؛ بر روی برخی مهرها تصویر فردی با سلاحی منحنی<sup>۳</sup> در دست راست (شکل ۳) و یا فردی با دستانی برافراشته در حال نیایش دیده می‌شود.



► شکل ۱. مهر کاسیت بورنابوریاش دوم  
(Moortgat, 1940: n. 554).





شکل ۲. مهر کاسیت به دست آمده از سرخ دم  
 ◀ (Schmidt et al., 1989: tav. 134, n. 34).



شکل ۳. مهر کاسیت قرن ۱۴ پ.م. (Porada.)  
 ◀ (1948: n. 570).

هرچند مهرهای سبک اول کاسیت متأثر از مهرهای بابل قدیم هستند، اما تفاوت‌هایی بین آن‌ها دیده می‌شود؛ به عنوان مثال، ظرافت و وقار فردی بلندقامت با جامه‌ای بلند حاکی از آن است که حکاک کاسیت دیگر دنباله‌رو سبک بابل قدیم نیست (شکل ۴). به نظر می‌رسد جامه افراد (لباس‌هایی در قسمت جلو روی هم‌رفته و لبه آن‌ها در پایین هلالی شکل است و در زیر آن دامنی دیده می‌شود)، (Teissier, 1984: 28-29) مشابه جامه‌هایی روی مهرهای منطقه میانی فرات (قرن ۱۷ پ.م.) در زمان پادشاهی «خانا» (Matthews, 1990: 45) است. به علاوه، ترکیب بندی صحنه‌ها نیز متفاوت از سبک بابل قدیم است؛ به عنوان مثال، مهری متعلق به «کارايندش»<sup>۱۳</sup> (شکل ۵) تصویری - کمیاب - در دو ردیف افقی را به نمایش می‌گذارد که بر روی مهرهای بابل قدیم دیده نمی‌شود.<sup>۱۴</sup> این دو ویژگی یادآور مهرهای مناطق شمالی بین‌النهرین و شمال سوریه هستند.



► شکل ۴. مهر کاسیت قرن ۱۴ پ.م.  
(Matthews, 1990: no. 88).

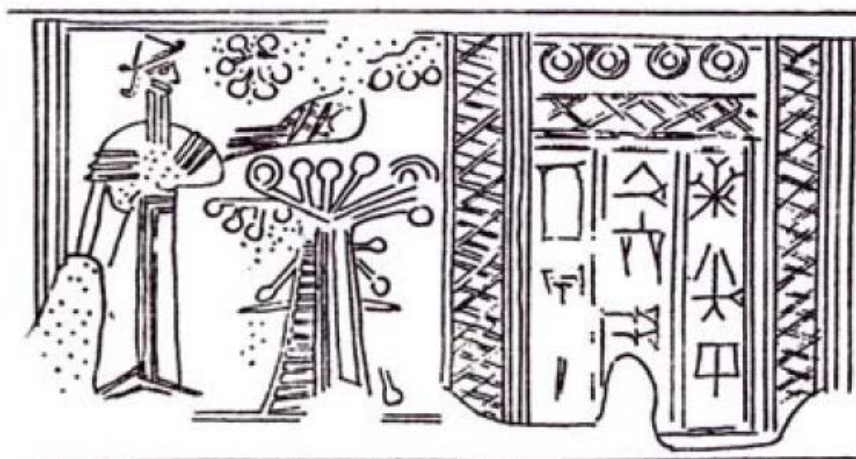


► شکل ۵. مهر کاسیت قرن ۱۵ پ.م.  
(Collon, 1987: n 235)، (کاراینداش).

گروه اول را می‌توان به دو زیرگروه تقسیم کرد؛ تقسیم‌بندی براساس تصویر شاه-خدا است: گروه اول، عمدتاً از طریق آرشیو (Porada, 1947: group XIX, nn. 678-708) اثرمهرها در نوزی شناخته شده‌اند، صحنه‌ها شاه و خدا را در مقابل هم نشان می‌دهد، به‌گونه‌ایی که از لحاظ مقام در یک سطح قرار دارند (Porada, 1970: 10). در گروه دوم به دست آمده از نیپور، غالباً تنها یک فرد به تصویر کشیده شده است (در مهرهای به دست آمده از شمال بین‌النهرین این فرد سلاحی طویل<sup>۴</sup> در دست دارد) و احتمالاً این فرد یک خدا (با تاج شاهی) می‌باشد. اگر بیش از یک فرد در تصویر باشد، آن فرد (شاه) همواره از مقامی پایین‌تر از خدا قرار دارد (Matthews, 1990: 28). هنگامی که خدا نشسته بر تخت یا ایستاده در سمت راست است، شاه (در سمت چپ) بر روی زمین زانو زده است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد مهرهای به دست آمده از نیپور تأثیر بیشتری از مهرهای بابل قدیم گرفته‌اند، زیرا شاه دارای مقامی نسبتاً پایین‌تر از خدا است. در بیشتر این مهرها الهه‌ای (با دستانی برافراشته) در مقابل خدای نشسته بر تخت ایستاده است. یکی دیگر از تفاوت بین مهرهای نوزی و نیپور نمادهایی (نقوش ثانویه) هستند که برای پر کردن فضاهای خالی استفاده شده‌اند؛ بر روی مهرهای نوزی حیوانات کوچک

(میمون)، گلدان، پرنده یا تصویر برهنه مؤنث از روبه‌رو حک شده است و بر روی مهرهای نیپور، نقوشی مانند: صلیب، لوزی، حشرات (ملخ و پشه)<sup>۱۵</sup>، حیوانات (سگ)، فردی زانورده و نمادهای گیاهی (خوشه گندم و رزتا) دیده می‌شود. نقش گلدان در نیپور نیز استفاده می‌شد، اما معمولاً در دستان مقامی سلطنتی قرار دارد.<sup>۱۶</sup>

نفوذ سبک شمال بین‌النهرین بر کارگاه‌های کاسیت قدیم تا مدت‌ها باقی ماند. این تأثیر، همواره بر روی مهرهای بخش‌های جنوبی بین‌النهرین (در نیپور) برای دهه‌های بعدی به چشم می‌خورد؛ تأثیر ترکیب و ایکونوگرافی فرهنگ آشور میانه بر روی مهرهای کاسیت نشان‌دهنده نفوذ این سبک است. با این وجود، مهرهای کاسیت ویژگی‌های اولیه خود، مانند کتیبه‌های طولانی عمودی را (در مقابل کتیبه‌های افقی آشور میانه) حفظ کردند.<sup>۱۷</sup>



شکل ۶. مهر کاسیت قرن ۱۴ پ.م. (Porada: 1970: tav. 3, n. 15).

گروه دیگری از مهرهای کاسیت برای نخستین بار در جنوب غرب ایران (و نه در بابل) کشف شدند و به همین دلیل «شبه-کاسیت» نام‌گذاری شدند (Matthews, 1990: 66-70, nn.545-549).<sup>۱۸</sup> این مهرها، سبکی همانند گروه اول دارند و احتمالاً از این گروه نشأت گرفته‌اند؛ زیرا ایکونوگرافی این گروه فردی ایستاده را به نمایش می‌گذارد. به علاوه، سبک حکاکی روی این مهرها خطی و شماتیک است، مهرها دارای تزئینات بیشتر و کیفیت حکاکی پایین‌تری هستند. وجود اشکال دَوْرانی روی مهرها، نشان‌دهنده استفاده از ابزارهای مته‌مانند دارد (شکل ۴). مهرها از جنس و مصالحی با کیفیت اندک (مانند: خمیر شیشه) ساخته شده‌اند<sup>۱۹</sup> و دارای تصاویری مشابه تصاویر به دست آمده از بین‌النهرین میانی (نیپور) هستند (شکل ۶)، اما این تصاویر خشک و انتزاعی به نظر می‌رسند و در برخی موارد تصاویر زنی را ایستاده در مقابل خدایی بر تخت نشان می‌دهد. نوار مشبک و نقوش اساطیری مختلفی بر روی مهرهای شبه-کاسیت به کار برده شده است و تکرار نقوش گیاهی (پیچش در بخش انتهایی) در اثر مهر صحنه‌ایی به شکل قاب ایجاد می‌کرد. کتیبه‌ها کوتاه‌تر و با تنوع کمتری،<sup>۲۰</sup> پایین‌تر از تصاویر افراد حک شده‌اند. صحنه غالب بر روی مهرهای به دست آمده از نوزی مقام سلطنتی را ایستاده و گاهی اوقات با سلاحی در دست نشان می‌دهد. این ارتباط با سنت نوزی به ما اجازه می‌دهد تا فرض کنیم



خاستگاه شبه-کاسیت از سبک اول کاسیت در نوزی نشأت گرفته است (Matthews, 1992: 5).

درحالی‌که تولید مهرهای استوانه‌ای سبک اول در قرن ۱۴ پ.م. ادامه داشت استفاده از مهرهای سبک دوم، هم‌زمان با مهرهای سبک اول، احتمالاً هم‌زمان با فرمانروایی «بورنا-بوریاش دوم» (Burna-Buriash II) در حدود ۱۳۵۰ پ.م. آغاز شد و در حدود سال ۱۲۰۰ پ.م. ناپدید شدند (Ibid: 9). مهرهای سبک دوم از تل زوبیدی، آشور و طبس<sup>۲۱</sup> به دست آمده‌اند. از بخش مرکزی یونان مجموعه بزرگی از مهرهای استوانه‌ای کشف شد. این مجموعه از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا اطلاعات ارزشمندی را درباره نحوه گردآوری یک گنجینه و گردش بین‌المللی اشیای قیمتی در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد ارائه می‌دهد. مهرهای کاسیت یافت شده در طبس از اتاق یک ساختمان متعلق به دوره «میسناویان» (۱۶۰۰-۱۱۰۰ پ.م.)<sup>۲۲</sup> یافت شدند. به عقیده کاوشگران، احتمالاً این اتاق، کارگاه یک صنعتگر بوده است. به علاوه، چندین مهر از مناطقی، مانند: بین‌النهرین، سوریه، هیتیت در آناتولی و قبرس در کنار این مهرها به دست آمد. احتمالاً همگی مهرها در یک جعبه چوبی نگه‌داری می‌شدند.<sup>۲۳</sup> برخی از این مهرها متعلق به چندین قرن پیش بودند و حکاکی جدیدی روی حکاکی قدیمی صورت گرفته بود. این گنجینه به همراه چندین اشیاء ارزشمند دیگری، عاج و طلا، یافت شد؛ هرکدام از این اشیاء اطلاعاتی درخصوص این دوره ارائه می‌دهند. این گنجینه با تعداد فراوانی مهر کاسیت بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشف باستان‌شناسی دوره کاسیت خارج از محدوده بین‌النهرین است. در این مجموعه، به ویژه، مهری از سنگ لاجورد متعلق به «کیدین-مردوک»<sup>۲۴</sup> یکی از منصبان بورنا-بوریاش دوم (۱۳۵۹-۱۳۳۳ پ.م.)



► شکل ۷. مهر کاسیت اواسط قرن ۱۴ پ.م.،  
بورنا-بوریاش دوم (Porada 1981-82: p.45, n.).  
(26).

شناسایی شد. بر روی مهر، علاوه بر کتیبه‌ی صحنه‌ی اساطیری دیده می‌شود که با طرح‌های خشک و انتزاعی سبک اول تفاوت دارد؛ به عبارتی، سبک دوم معرف ظهور ایکونوگرافی نوین با صحنه‌های طبیعت‌گرایانه می‌باشد. کشف این گونه‌ی مهرها بسیار نادر است و به همین دلیل این گنجینه از اهمیت بالایی برخوردار است. سبک دوم دارای موضوعات جدیدی از قبیل: صحنه‌های زندگی روزمره (شکار، شخم‌زدن)، صحنه‌های طبیعت‌گرایانه و اساطیری، با حضور خدایان و موجودات تخیلی، هستند که به صحنه‌ها حیات و سرزندگی می‌دهند. این صحنه‌ها به صورت سه بخش جداگانه عمودی بر روی مهرها حک می‌شود. طرح غالب این سبک درخت زندگی است که دارای شاخه‌هایی مارپیچی است (شکل ۸). شکل درخت زندگی با گذشت زمان تغییر کرد و هر بار با ظاهری نو و پرکارتر حک می‌شد (شکل ۹ و ۱۰). کتیبه‌ها به صورت افقی حک می‌شدند، در برخی موارد کتیبه‌های عمودی نیز در کنار آن‌ها دیده می‌شود و در مواردی کتیبه‌ها قابی را بر روی مهر تشکیل می‌داند (شکل ۱۱).

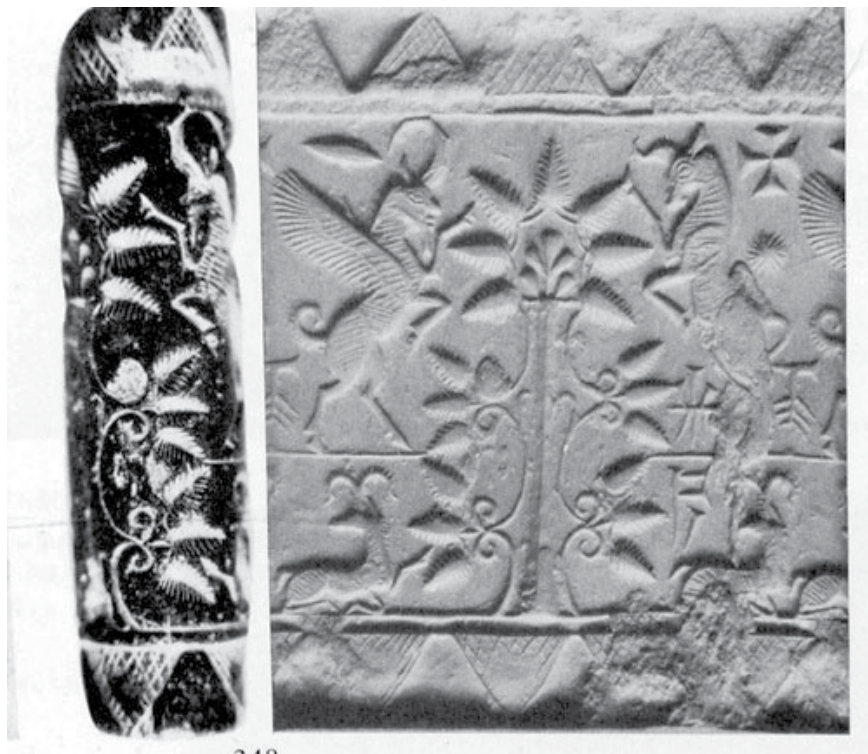


شکل ۸. مهر کاسیت قرن ۱۴ پ.م. (Porada, 1981-82: p. 59, fig. 31)



شکل ۹. اثر مهر کاسیت قرن ۱۳ پ.م. نازی-مروتاش (Porada, 1952: n. 5)





▼ شکل ۱۰. مهر کاسیت قرن ۱۲-۱۱ پ.م.  
(Buchanan, 1966: n. 563).



► شکل ۱۱. مهر کاسیت اوسط قرن ۱۴ پ.م.  
بورنا-بوریش دوم (Williams-Forte, 1981: Pp.)  
(128-129, n. 77).

گذر از سبک اول به سبک دوم بلافاصله صورت نگرفت، بلکه تداوم سبک از گروه اول به گروه دوم ادامه داشت؛ زیرا عنصرهای طبیعت‌گرایانه به تدریج بر روی مهرها ظاهر شدند. نقوش طبیعت‌گرایانه شامل طرح‌های گیاهی و جانوری و در برخی موارد همراه با نقوش انسانی بودند. کتیبه‌ها به تدریج کوتاه‌تر و یا از روی مهرها حذف شدند. در کنار برخی مهرهایی کم کیفیت مهرهایی با کیفیت بسیار بالا و تحت تأثیر مهرهای آشوری یافت شدند. این تأثیر تا به اندازه‌ایی است که تشخیص ماهیت و انتساب آن‌ها به کاسیت یا آشور دشوار است. حکاکی روی این مهرها دارای دو سبک می‌باشد؛ سبک

اول، دارای خطی با نقوش دو بُعدی و خطوطی عمیق در حاشیه نقوش است (شکل ۷). سبک دوم، دارای نقوشی برجسته‌تر و به نسبت با جزئیات بیشتر است (شکل ۸). غنای صحنه و فراوانی نقوش بر روی مهرها منجر به خلق صحنه‌هایی طبیعی‌تر شده است. از این میان می‌توان به نقش پرنده‌هایی در حال پرواز بر روی اثرمهری یافت شده از نیپور اشاره کرد (شکل ۹). تقارن در ترکیب‌بندی و طبیعت‌گرایی پرندگان بر روی مهر نشان‌دهنده شباهت آن با مهرهای آشور میانی در قرن ۱۳ پ.م. است؛ هرچند تعیین جهت تأثیر بین سبک‌های شمال و جنوب بین‌النهرین مشکل به نظر می‌رسد،<sup>۲۵</sup> اما سبک دوم را می‌توان مابین سبک بابل قدیم (سبک رسمی، سنتی و قدیمی بر روی



▲ شکل ۱۲. مهر کاسیت قرن ۱۳ پ.م.  
(Moortgat, 1930: pl. I, n. 6).



شکل ۱۳. اثر مهر کاسیت قرن ۱۳ پ.م. (Beran, 1957-1958: n. 33).



شکل ۱۴. مهر کاسیت قرن ۱۳ پ.م.  
(Matthews, 1990: n. 270).



مهرهای سبک اول و شبه-کاسیت) و سبک آشور-کاسیت (پویا، نو و سرزنده) در قرن ۱۴ پ.م. در نظر گرفت. تصویر «ارباب حیوانات» رایج‌ترین موضوع بر روی مهرهای سبک دوم بود.

سبک سوم، متعلق به دوره اواخر کاسیت، بیشتر انتزاعی و به دور از سرزندگی و شرح وقایع است. این سبک در قرن ۱۳ پ.م. پدیدار شد و تا ۱۱۰۰ پ.م. ادامه پیدا کرد. سبک سوم مشابهت‌هایی با ایکونوگرافی آشوری داشت. صحنه‌هایی همانند جانوران اساطیری بال دار، نبرد با شیر و یا صحنه شکار (شکل ۱۲)، در برخی موارد، با نمادهای هندسی و ردیفی از حیوانات در حال حرکت از جمله این مشابهت‌ها هستند (شکل ۱۳)؛ هرچند اشکال انسانی در این سبک مشابه سبک اول است، اما در برخی موارد شباهت‌هایی با مهرهای بابل قدیم در شمال بین‌النهرین دارند.<sup>۲۶</sup> یکی از ابتکارات، سبک سوم نسبت به سبک اول و دوم، ظهور صحنه‌های آئین مذهبی است (شکل ۱۴). این صحنه‌ها شامل معبد‌های کوچکی هستند که درون آن‌ها سکوهایی با نمادهایی الهی، همانند نمادهایی روی کودورها، دیده می‌شود.<sup>۲۷</sup> به نظر می‌رسد در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد کیفیت مه‌سازی در کارگاه‌های بابلی رو به انحطاط نهاد. بخش‌هایی بالایی و پایینی مهرهای استوانه‌ایی به‌گونه‌ایی حکاکی می‌شدند تا اثر آن‌ها تداعی‌کننده کلاهک‌هایی طلائی، در دو طرف مهر استوانه‌ایی، باشد (شکل ۹ و ۱۲). شیر و گاو در دو طرف درخت زندگی، عمده‌ترین صحنه‌ها بر روی مهرهای سبک سوم است. اما تقارن در دو طرف درخت زندگی گمراه‌کننده است؛ غالباً جانوران، در برخی موارد بال دار، ایستاده در دو طرف درخت زندگی دو گونه متفاوت جانوری هستند. حکاکی مهرها از کیفیت پایینی برخوردار است و به ندرت مهرهایی با کیفیت بالای حکاکی و طراحی زیبا دیده می‌شود (شکل ۱۰). تصاویر و سبک مهرهای دوره اواخر-کاسیت بعدها بر روی مهرهای دوره سلسله دوم ایسین (قرن ۱۲-۱۱ پ.م.) نیز دیده می‌شود. به علاوه، مهرهای این سلسله با استفاده از نمادهای الوهیت روی کودوروهای پست-کاسیت غنی‌تر شدند.

### کاربری و تاریخ‌گذاری مهرهای استوانه‌ای کاسیت

وجود یافته‌های باستان‌شناسی در کنار منابع مکتوب بهترین وضعیت را برای بازسازی تاریخ فراهم می‌کند؛ هرچند وجود هر دو منابع باهم تاحدی نادر است. اغلب مهرها از طریق کاوش علمی به دست نیامده‌اند و گاهنگاری آن‌ها تاحدی مشکل است؛ بنابراین، گاهنگاری تنها براساس مطالعه ایکونوگرافی و سبک‌شناسی مهرها صورت می‌گیرد. انتخاب تصویر، جنس مهر،<sup>۲۸</sup> سبک حکاکی و استفاده از کلاهک‌های طلائی نشان می‌دهد، مهرهای استوانه‌ایی برای کاسیت‌ها جزو اشیاء قیمتی شخصی محسوب می‌شدند. همگی موارد ذکر شده به همراه گونه‌شناسی کتیبه‌ها می‌تواند نشان‌دهنده کاربرد مهرها باشد. به علاوه، اثرمهرها روی گِل نوشته‌ها نیز اطلاعاتی درخصوص کاربرد مهرها ارائه می‌دهد.<sup>۲۹</sup> معمولاً اثرمهر زمان کاربرد آن‌را نشان می‌دهد. از طرفی از یک مهر تا مدت‌ها پس از تولیدش استفاده می‌شد، همین امر تشخیص پایان یک سبک را مشکل می‌سازد؛ چراکه یک مهر مجدداً در یک بازه زمانی طولانی (پس از ساخت آن) مورد استفاده قرار می‌گرفت. یکی دیگر از مشکلات تاریخ‌گذاری مهرهای کاسیت مربوط

به کاربرد حکومتی آن‌ها است؛ زیرا در مواردی که یک مقام حکومتی بازنشسته می‌شد، مهر حکومتی خود را (نام شاه روی آن حک شده بود) به فرزند خود می‌داد و این مهر دوباره مورد استفاده قرار می‌گرفت.



مهر کاسیتی با سبک مصری، اما با اشخاصی که پوشاک‌های آسیایی<sup>۳۰</sup> بر تن دارند، در قبری متعلق به قرن ۱۱-۱۰ پ.م. در متاسور (ارمنستان) یافت شده است (شکل ۱۵: a-b). این مهر با ویژگی خاص خود احتمالاً کاربری اختصاصی و شخصی داشته است. برای مصری‌ها شاهان کاسیت، تنها یکی از چندین شاهزادگانی بودند که در شمال بین‌النهرین حکمرانی می‌کردند.<sup>۳۱</sup> مصری‌ها همواره برای نشان دادن افراد خارجی (در منطقه شمال) بر روی مهرهای خود آن‌ها را با پوشاکی بلند به تصویر می‌کشیدند؛ همان‌گونه که بر روی این مهر، شاه با جامه‌ایی بلند آسیایی نمایش داده شده است. ممکن است یک کارگاه مصری مهر را برای این شاه ساخته باشد؛ هرچند تا به حال کاربری و گاهنگاری این مهر ناشناخته باقی مانده است (Matthews, 1992: 57).

▲ شکل ۱۵a, b. مهر کاسیت بین سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۰۸ پ.م. کوریگالزو دوم (Kalantaryan, 2007: tav. LXII/1; Khanzadyan, 2003: n.2).

مهرهای گروه اول و دوم را (با توجه به وجود نام افراد و سبک حکاکی) می‌توان در حدود قرن ۱۴-۱۳ پ.م. تاریخ‌گذاری کرد. اگر قدیمی‌ترین گاهنگاری برای گروه اول مهرهای کاسیت دوره شاهی بورتابوش دوم (۱۳۴۰ پ.م.) باشد، نمی‌توان با قطعیت گفت مهرهایی با نام «کوریگالزو» و «کاداشمن-انلیل»<sup>۳۲</sup> متعلق به کوریگالزو اول یا دوم و کاداشمن-انلیل اول یا دوم هستند. در هر صورت، مهرهایی با نام‌های سلطنتی تولید بین‌النهرین مرکزی، بین دوره شاهی کاداشمن انلیل اول و نازی مروتاش<sup>۳۳</sup> (۱۳۷۰-۱۳۰۰ پ.م.) تاریخ‌گذاری می‌شوند. اثرمهرها به دست آمده از آرشیو نوزی (که تاریخی فراتر از ۱۳۵۰-۱۳۳۰ پ.م. ندارند) به مستندات سال‌های ۱۴۵۰-۱۴۰۰ پ.م. در شمال بین‌النهرین اشاره دارند (Matthews, 1990: 57; Stein, 1989). در برخی موارد دیگر، گاهنگاری اثرمهر براساس تاریخ‌گذاری گِل نوشته‌ای که اثرمهر بر روی آن است، صورت می‌گیرد. اثرمهرها در دوره کوریگالزو دوم و نازی مروتاش به این روش تاریخ‌گذاری شدند. بر این اساس، ممکن است در قرن ۱۴ پ.م. دو تولید مختلف مهر در شمال (نوزی) و در مرکز بین‌النهرین (نیپور) وجود داشته است. به علاوه طرح روی مهرها کاربرد آن‌ها را نشان می‌داد. به‌طورکلی صاحبان مهرها افرادی از خانواده سلطنتی یا مقامات

عالی منصب بودند که بیش از یک مهر (برای کاربردهای مختلف عمومی و خصوصی) داشتند. به نظر می‌رسد این پدیده تا قرن ۱۳ پ.م. ادامه یافته است (Ornan, 2005: 26)؛ به عنوان مثال، می‌توان به مهر «کیدین-مردوک»،<sup>۳۴</sup> اشاره کرد. وی احتمالاً یکی از مقامات عالی منصب بورنا-بوریاش (دوم؟)<sup>۳۵</sup> بود که به طور هم‌زمان مهرهایی از سبک اول و دوم داشت (شکل ۱ و ۷). هم‌زمان با کیدین-مردوک، پسرش «اداد-اوشابشی»<sup>۳۶</sup> نیز (شکل ۱۱) یکی از کارکنان سلطنتی شاه بود.

مهرهای گروه شبه-کاسیت عمدتاً از خمیر شیشه ساخته شده‌اند (Trokay, 1996; Stein, 1997: 207) و به دلیل مشابهت‌های ایکونوگرافی تقریباً با مهرهای گروه اول در شمال بین‌النهرین هم‌دوره هستند. ایکونوگرافی مهرهای گروه شبه-کاسیت از گروه اول اقتباس شدند، اما با روشی مستقل ساخته شدند. استفاده از خمیر شیشه نشان می‌دهد که مهرها کاربری رسمی نداشتند، سبک حکاکی و هم‌زمانی آن‌ها با برخی مهرهای نفیس گروه دوم حاکی از آن است که مهرهای شبه-کاسیت کم‌بهاتر بودند و دسترسی به آن‌ها آسان‌تر بود.

کیفیت اندک در حکاکی و جنس سنگ در مهرهای سبک سوم آن‌ها را از مهرهای سبک اول و دوم متمایز کرده است.<sup>۳۸</sup> مهرهای سبک سوم تا دوره اسیین دوم<sup>۳۹</sup> ادامه داشتند (۱۲ پ.م.) و دارای نمادهای الهی بودند که بر روی کودروهای<sup>۴۰</sup> هم‌دوره‌شان نیز به چشم می‌خورد (شکل ۱۶). به نظر می‌رسد مهرهای گروه سوم، تقلیدی از مهرهای گروه اول و دوم، اما با تصاویر و ایکونوگرافی محدودتری بودند که بر روی مهرهای کم‌ارزش‌تری حک می‌شدند. تصاویر و صحنه‌ها بر روی این مهرها ساده و متنوع بودند. این سادگی و تنوع به حکاک اجازه می‌داد تا مهرهای گوناگون فراوانی، به دلیل تقاضای زیاد مشتریان، تولید کند.



► شکل ۱۶. مهر دوره اسیین دوم قرن ۱۳-۱۲ پ.م. (Porada, 1948: n. 588).

اگر انتخاب تصاویر نشان‌دهنده نحوه کاربرد آن‌ها بوده است، علت وجود مهرهای سبک دوم در ساختمانی اداری در طیس جای تامل دارد (Porada, 1981-1982: 49-67). این مهرها دارای کیفیتی بالا بودند و با نظر می‌رسد در کارگاهی مهم ساخته شده‌اند و احتمالاً در دوره ال-امارنا<sup>۴۱</sup> (در اواخر قرن ۱۳ پ.م.) به عنوان هدایای سیاسی<sup>۴۲</sup> (بر طبق مستندات باستان‌شناسی) به طیس رسیده‌اند.

به هر حال، هم‌زمانی هر سه سبک در نیمه دوم قرن ۱۴ پ.م.، حاکی از آن است توسعه و پیشرفت تدریجی در سبک مهرها (از سبک ساده به سبک ظریف و پرکار) وجود ندارد. کلاهک‌ها تنها در مهرهای سبک شبه-کاسیت به کار برده نشدند، اما در مهرهای سبک دوم به طور فراوان به چشم می‌خورند؛ هرچند گاهی کلاهک‌ها در اثر مهرها (سبک دوم) روی گل‌نوشته‌ها، بولاها و پاکت‌های بسته‌بندی گل‌نوشته‌ها دیده نمی‌شود. به ندرت پاکت‌های بسته‌بندی مهرشده یافت شده است؛ زیرا معمولاً پاکت‌های بسته‌بندی پس از مدتی دور ریخته می‌شدند. وجود گل‌نوشته‌های یافت شده (بدون پاکت) در کاوش‌ها این ادعا را ثابت می‌کند.<sup>۴۳</sup> معمولاً اثرمهرهای کلاهک‌دار بیشتر بر روی پاکت‌های بسته‌بندی (نسبت به بولاها) دیده می‌شود. اثرمهرهای سبک اول غالباً بر روی بولاها و گل‌نوشته‌ها زده شده است. اثرمهر سبک دوم بیشتر بر روی پاکت‌های بسته‌بندی گل‌نوشته‌ها یافت می‌شود و اگر بر روی بولاها زده می‌شد، از آن‌ها برای مهر و موم درب‌ها استفاده نمی‌شد. اثرمهرهای سبک شبه-کاسیت کمتر بر روی گل‌نوشته‌ها دیده می‌شود. اثرمهرهای این سبک بیشتر بر روی بولاها به جای مانده است.

بنابراین به نظر می‌رسد مهرهای سبک اول و دوم، متعلق به افراد ثروتمند جامعه کاسیت بودند که می‌توانستند مهرهایی پرکارتر، ظریف‌تر، باوقارتر و انحصاری داشته باشند. مسلماً مهرهایی با این ویژگی‌ها قیمت بالایی داشتند. در عوض مهرهایی با خمیر شیشه که ساده‌تر و فراوان‌تر بودند به افرادی از طبقه اجتماعی نسبتاً پایین‌تری متعلق بودند. مصالح مختلف برای ساخت مهرها (سنگ، خمیر شیشه و عاج) به تکنیک و نحوه حکاکی متفاوتی نیاز داشتند. با توجه به تکنیک و سبک مهرها می‌توان گفت فعالیت هرکدام از کارگاه‌ها مستقل از دیگر کارگاه‌ها بود؛ بنابراین، تفاوت در سبک مهرهای کاسیت می‌تواند نشان‌دهنده طبقه اجتماعی صاحب مهر و پیشینه هنری و سبک کارگاه‌ها باشد. اثرمهرهایی با کاربری‌های خاص مانند مهر و موم کردن درب‌ها، متعلق به مهرهایی هستند که تولید محلی بودند و از امنیت بیشتری برخوردار بودند چراکه احتمال ساخت یک کپی از آن مهر بسیار اندک بود.

اثرمهر بر روی مهرها و بولاها ساده بود و نیازی به نوشته‌های تخصصی نداشت؛ اما اثرمهر بر روی پاکت‌های بسته‌بندی گل‌نوشته‌ها به دلیل داشتن موضوعات حسابداری و اداری نیازمند نوشته‌های تخصصی و اداری بوده است. احتمالاً مهرهای سبک دوم برای مقامات اداری با کاربری خاصی ساخته شده بودند؛ زیرا اثرمهرهای این سبک بر روی پاکت‌های بسته‌بندی گل‌نوشته‌ها دیده می‌شود. بیشتر این پاکت‌ها مربوط به رسیدهای پرداخت بودند و صاحبان مهرها می‌بایست توانایی خواندن و نوشتن را داشته باشند. کیدین-مردوک، یکی از صاحب منصبان شاه بورتانوریاش دوم دو مهر (یک مهر سبک اول (شکل ۱) و مهر دوم (شکل ۷) مربوط به سبک دوم) داشت. ممکن است مهر



سبک اول کاربری خصوصی و مهر سبک دوم کاربری اداری<sup>۴۴</sup> داشته است. در عوض یک فرد عادی می‌توانست مهری از سبک شبه-کاسیت داشته باشد. غالباً برای مهر موم کردن درب‌ها از مهرهای شبه-کاسیت استفاده می‌شد. این مهرها تولید محلی هستند و در همان محلی که ساخته شدند به دست آمده‌اند. به ندرت می‌توان اثر مهر سبک شبه-کاسیتی را بر روی گل‌نوشته‌ها یافت، این امر نشان می‌دهد که صاحبان مهرهای شبه-کاسیت کارکنان ساده و جزئی بودند. براساس آنچه گذشت، مهرهای سبک شبه-کاسیت و سبک اول تولید محلی بودند و تفاوت مهرهای سبک اول شمال و جنوب بین‌النهرین در گاهنگاری (و نه در موقعیت جغرافیایی) آن‌ها است. نبود اثر مهر سبک دوم بر روی مهر موم درب‌ها نشان‌دهنده کاربرد متفاوت مهرها است. براساس مهرهای شبه-کاسیت به دست آمده از نیپور، مهرهای سبک اول کاسیت در شمال بین‌النهرین نیز تولید محلی بودند و مهرهای شبه-کاسیت از آن‌ها اقتباس شده بود. از طرفی سبک شبه-کاسیت دارای مشابهتهایی با فرهنگ عیلامی است. جالب است بدانیم این روند تقلید و تأثیر نیز در مهرهای عیلامی دیده می‌شود؛ مهرهای عیلامی نیز تحت تأثیر مهرهای کاسیت ساخته می‌شدند، این تأثیر در مهرهای عیلامی به اصطلاح «سبک فاخر عیلامی» به دست آمده از چغازنبیل مشاهده می‌شود (Porada, 1970: 129).

## بحث و تحلیل

هرچند مهرهای استوانه‌ای سبک اول کاسیت متأثر از مهرهای بابل قدیم هستند، اما تفاوت‌هایی بین آن‌ها دیده می‌شود. گروه اول را می‌توان به دو زیرگروه تقسیم کرد؛ در گروه اول، صحنه‌ها شاه و خدا را در مقابل هم و در یک سطح قرار می‌دهد و اگر بیش از یک فرد در تصویر باشد، آن فرد (شاه) همواره از مقامی پایین‌تر از خدا قرار دارد (Van Buren, 1954a; 1954b). مهرهای استوانه‌ای سبک دوم، معرف ظهور ایکونوگرافی نوین با صحنه‌های طبیعت‌گرایانه (طرح‌های گیاهی و جانوری و در برخی موارد همراه با نقوش انسانی) هستند. صحنه‌هایی از قبیل: زندگی روزمره، طبیعت‌گرایانه و اساطیری، با حضور خدایان و موجودات تخیلی، از جمله موضوعات جدیدی هستند که بر روی مهرهای سبک دوم دیده می‌شوند (Williams-Forte, 1957-1958: n. 25; Beran, 1981: 25-29). کتیبه‌ها به تدریج کوتاه‌تر و یا از روی مهرها حذف شدند. مهرهای سبک دوم از یونان یافت شده‌اند. این گنجینه، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشف باستان‌شناسی دوره کاسیت خارج از محدوده بین‌النهرین است. مهرها دارای کیفیتی بالا بودند و به نظر می‌رسد در کارگاهی مهم ساخته شده‌اند و احتمالاً به عنوان هدایای سیاسی به طیس اهدا شده‌اند (Falkenstein, 1964; Platōn & Touloupa, 1964; Touloupa, 1964a; 1964b; 1965). سبک سوم، ۱۱۰۰-۱۳ پ.م.، بیشتر انتزاعی است. صحنه‌های این مهرها از قبیل: جانوران بال‌دار، نبرد با شیر و یا صحنه شکار، یادآور ایکونوگرافی آشوری هستند. شیر و گاو در دو طرف درخت زندگی عمده‌ترین صحنه‌ها بر روی مهرها است (Matthews, 1992: 17). یکی از ابتکارات این مهرها ظهور صحنه‌های آئین مذهبی است (Ornan, 2005: 46; 289). اما حکاکی مهرها از کیفیت پایینی برخوردار است و به ندرت مهرهایی با کیفیت بالای حکاکی و طراحی زیبا دیده می‌شود. گروه دیگری از

مهرهای کاسیت «شبه-کاسیت» نام دارد. این مهرها برای نخستین بار در در شوش کشف شدند (Matthews, 1990: 66-70; Porada, 1970). صحنه غالب بر روی مهرها مقام سلطنتی را ایستاده و گاهی با سلاحی در دست نشان می‌دهد. تصاویر روی این مهرها خشک و انتزاعی است و کیفیت حکاکی پایینی دارند (Trokay, 1996; Stein, 1997).

سنت نوشتن کتیبه روی مهرهای حکاکی شده از هزاره سوم تا هزاره دوم پیش از میلاد ادامه یافت. مضمون نوشته‌های روی مهرهای کاسیت غالباً نیایش برای صاحب مهر بود و معمولاً نام صاحب مهر ذکر نمی‌شد. به ندرت می‌توان نام صاحب مهر را روی مهر مشاهده کرد، اما اگر مهر متعلق به شاه یا یکی از مقامات عالی منسوب بود نام آن‌ها روی مهر آورده می‌شد (Matthews, 1992: 59; 1990: 11). در مواردی کتیبه تمام فضای روی مهر را اشغال می‌کرد و فضای چندانی برای اشکال باقی نمی‌ماند (شکل ۳، Ibid., 1990: 15). در برخی مهرها خواندن کتیبه‌ها به دلایل مختلفی دشوار است؛ به عنوان مثال، متن کتیبه‌ها بسیار متنوع بود، عناصر مشترک (واژه‌ها) در ترکیب‌های مختلف به کار برده می‌شد، از نمادها و علائم غیرمعمول استفاده می‌شد، حکاکی روی مهر از کیفیت پایینی برخوردار بود، بعضی علائم و نمادها اندازه غیرمعمول و ناشناخته‌ایی داشتند و یا علائم‌ها به هم می‌چسبیدند. زبان به کار برده شده در برخی کتیبه‌ها سومری و یا آکدی است (Matthews, 1992: 67).

مهرهای استوانه‌ایی برای کاسیت‌ها جزو اشیاء قیمتی شخصی محسوب می‌شدند. معمولاً فردی از خانواده سلطنتی یا مقامات عالی منصب بیش از یک مهر (کاربری رسمی و خصوصی) داشت. استفاده از خمیر شیشه در سبک شبه-کاسیت نشان دهنده کاربری غیررسمی این مهرها دارد و به دلیل کم‌بهاتر بودن دسترسی به آن‌ها آسان‌تر بود (Trokay, 1996; Stein, 1997). مهرهای سبک شبه-کاسیت و سبک اول تولید محلی هستند و در همان محلی که ساخته شدند به دست آمده‌اند.

اثرمهر، زمان کاربرد و نه زمان ساخت آن را نشان می‌دهد. طبق شواهد در برخی موارد یک مهر در یک خانواده سلطنتی از پدر به فرزند می‌رسید و تا مدت‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ در برخی موارد دیگر، گاهنگاری اثرمهر براساس تاریخ‌گذاری گِل نوشته‌ای که اثر مهر بر روی آن است صورت می‌گیرد. ساخت و استفاده از مهرها در حدود قرن ۱۴ پ.م. آغاز شد و تا اواخر قرن ۱۲ پ.م. ادامه یافت. اثرمهرهای سبک اول، غالباً بر روی بولاها و گِل نوشته‌ها، اثرمهر سبک دوم بیشتر بر روی پاکت‌های بسته‌بندی گِل نوشته‌ها، و اثرمهرهای سبک سوم و شبه-کاسیت بیشتر بر روی بولاها به جای مانده است (Matthews, 1992: 56).

### نتیجه‌گیری

مهرهای کاسیت به چهار سبک تقسیم می‌شوند؛ مهرهای سبک اول، تحت تأثیر فرهنگ بابل قدیم بودند. سبک دوم را می‌توان مابین سبک بابل قدیم و سبک آشور-کاسیت در نظر گرفت. مهرهای سبک سوم کاسیت شباهت‌های بیشتری به مهرهای آشور میانه (قرن ۱۴-۱۳ پ.م) دارند. از طرفی سبک شبه-کاسیت علاوه بر مشابهت‌های

ایکونوگرافی با مهرهای سبک اول کاسیت دارای مشابهت‌هایی با فرهنگ عیلامی بود. ممکن است مهرهای عیلامی نیز تحت تأثیر مهرهای کاسیت ساخته شده باشند. سبک و ایکونوگرافی مهرها نشان‌دهنده کاربری شخصی (خصوصی) و یا رسمی (اداری) آنها است. مهرهای سبک اول و دوم، متعلق به افراد ثروتمند جامعه کاسیت و مهرهای شبه-کاسیت برای افرادی عادی ساخته می‌شدند. براساس سبک، ایکونوگرافی و کتیبه می‌توان مهرهای گروه اول و دوم را در حدود قرن ۱۴-۱۳ پ.م. تاریخ‌گذاری کرد. استفاده از مهرهای سبک سوم کاسیت در حدود قرن ۱۴-۱۳ پ.م. آغاز شد و ساخت آنها تا انقراض حکومت کاسیت‌ها در بابل ادامه یافت. مهرهای کاسیت «شبه-کاسیت» به دلیل مشابهت‌های ایکونوگرافی تقریباً با مهرهای گروه اول هم‌دوره هستند. وجود مهرهای کاسیت در مناطق دور همانند طیس و مصر، حاکی از روابط بین‌المللی در اواخر

جدول ۱. مشخصات مهرها و اثرمهرهای اشکال ۱۶-۱ (نگارنده، ۱۳۹۹).

ردیف	گونه	صحنه	سبک	جنس مهر	طول مهر (سانتی‌متر)	محل کشف	گاهنگاری (پ.م.)	مرجع
۱	مهر	معارفه	اول	عقیق	۴	نامشخص	قرن ۱۴ (بورنا بوریاش دوم)	Moortgat, 1940: n.554
۲	مهر	معارفه	اول	کلسدون	۱,۷	سرخ‌دم	قرن ۱۴ گوریگالزو اول یا دوم؟	Schmidt et al., 1989: tav.134, n.34)
۳	مهر	ستایش	اول	یشم سفید-قهوه‌ایی	۱,۲	نامشخص	قرن ۱۴	Porada, 1948: n.570
۴	مهر	معارفه	اول	عقیق	۱,۴	نامشخص	قرن ۱۴	Matthews, 1990: no.88
۵	مهر	معارفه	اول	عقیق	۳,۴۵	نامشخص	قرن ۱۵ (کاراینداش) ۴۵	Collon, 1987: n.235
۶	مهر	ستایش	شبه-کاسیت	خمیرشیشه آبی‌روشن	۱,۷۸	چغازنبیل	قرن ۱۴	Porada, 1970: tav.3, n.15
۷	مهر	اساطیری	۲	لاجورد	۴,۱۸	طیس	اواسط قرن ۱۴، بورنا-بوریاش دوم	Porada, 1981-82: p.45, n.26
۸	مهر	ارباب جانوران	۲	لاجورد	۴,۳	طیس	قرن ۱۴	Porada, 1981-82: p.59, fig.31
۹	اثر مهر	اساطیری	۲	نامشخص	۵	نیپور	قرن ۱۳ نازی-مروتاش	Porada, 1952: n.5
۱۰	مهر	ترکیب متقارن	۳	یشم‌سبز	۷,۴	نامشخص	قرن ۱۲-۱۱	Buchanan, 1966: n. 563
۱۱	مهر	ترکیب متقارن	۲	کالسدون	۴	نامشخص	اوسط قرن ۱۴ بورنا-بوریاش دوم	Williams-Forte, 1981: pp. 128-129, n.77
۱۲	مهر	شکار	۳	یشم	۱,۷	بابل (منطقه مرکس)	قرن ۱۳	Moortgat, 1930: pl.I, n.6
۱۳	اثر مهر	شکار	۳	نامشخص	۱,۶	بابل	قرن ۱۳	Beran 1957-1958, n.33
۱۴	مهر	ستایش	۳	یشم	۳,۷	نامشخص	قرن ۱۳	Matthews, 1990: n.270
۱۵a-b	مهر	آشامیدن	مصری	عقیق	ارائه نشده	متسامور	۱۳۰۸-۱۳۳۲ گوریگالزو دوم؟	Kalantaryan, 2007: tav. LXII/1; اثرمهری از Khanzadyan, 2003: n.2
۱۶	مهر	ستایش	ایسین دوم	یشم	۳,۱	نامشخص	قرن ۱۳-۱۲	Porada, 1948: n.588

عصر مفرغ و اوایل عصر آهن است که ارائه دهنده جهانی مدیترانه‌ای-خاورمیانه‌ای با تبادلات و اشتراک‌های عناصر فرهنگی و هنری است.

### پی نوشت

1. Metsamor
۲. فنجان سنگی با کتیبه Kadasman-Enlil (Marcus, 1991: Pp. 549-551; tab. 23, a.b)
۳. بولا (Bulla) گویی گلی بود که مهر بر روی آن زده می‌شد.
4. Thebes
5. Kaššu (Kassite)
۶. کتیبه‌های عیلامی (قرن ۶ پ.م.) بر روی برخی اشیاء به دست آمده از غار کلماکره در پلدختر حاکی از حضور گروه یا گروه‌هایی با نام‌های عیلامی هستند (Vallat, 1996; Mahboubian, 1995).
۷. درخصوص الیپی ر. ک. به: King, L. W. (1915). Bronze Reliefs from the Gates of Shalmaneser, King of Assyria, B.C. 860-825. London: Printed by order of the Trustees. Levine, L. D. (1973). Geographical Studies in the Neo-Assyrian Zagros—I. Iran, 11(1), 1-27. Levine, L. D. (1974). Geographical Studies in the Neo-Assyrian Zagros—II. Iran, 12(1), 99-124. Luckenbill, D. D. (1927). Ancient records of Assyria and Babylonia, Historical records of Assyria: from the earliest to Sargon, vol. 2. University of Chicago Press. Mollazadeh, K., Goudarzi, A. (2015). Political History of Ellipi. Historical Science Studies, 7, 153-172, (In Persian). Mollazadeh, K., Goudarzi, A. (2016). Historical Geography of Ellipi, Pazhohesh-haye Bastanshenasi Iran, 6 (10), 83-100, (In Persian). Knudtzon, Jørgen. A. (1893). SAA 04, 077. British Museum, London, UK. Grayson, A. K., & Novotny, J. (2012). The royal inscriptions of Sennacherib, king of Assyria (704-681 BC), part 1 (Vol. 3). Eisenbrauns.
۸. چندی پیش طغیان ویران‌کننده رودخانه کشکان موجب نابودی شهر پلدختر و چندین شهر و روستاهای اطراف آن شد.
۹. از صحنه رایج بر روی مهرهای بابل قدیم می‌توان به تصویر ستایشگری در برابر خدایی / شاهی نشسته بر تخت اشاره کرد. در برخی از صحنه‌ها الهه‌ای فرد نیایشگر را به خدایی نشسته بر تخت معرفی می‌کند. ر. ک. به: [https://www.britishmuseum.org/collection/object/W\\_1966-0218-18](https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_1966-0218-18) و [https://www.britishmuseum.org/collection/object/W\\_1960-0517-28](https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_1960-0517-28)
10. Kudurru
۱۱. درخصوص تصویر مردوک (درحالی‌که سلاح خمیده‌ایی در دست دارد) در دوره بابل میانه ر. ک. به: The Kudurru by Meli Shipak (Ornan, 2005: Pp. 28-29).
- ممکن است صلیب نماد مردوک باشد، زیرا این تصویر همواره بر روی مهرهای کاسیت تکرار شده است. ر. ک. به: Ehrenberg, 2002: Pp. 65-74.
12. Karaindash
۱۳. صحنه‌های مهرهای بابل قدیم در یک ردیف افقی به حک شده‌اند.
۱۴. به نظر می‌رسد تصویر مردی با سلاح در ارتباط با خدایی باشد که در آن صاحب مهر خواهان دریافت نیروی سودمند از طرف خدا می‌باشد. این تصویر همانند نقش زن برهنه‌ایی با موضوع باروری و خیرخواهی (بر روی مهر بابل قدیم) است (شکل ۳)، ر. ک. به: Collon, 1986: pl. XXV, n.557.
۱۵. تصویر پشه بر روی مهرهای عیلامی وجود دارد، ر. ک. به: Porada, 1970.
۱۶. تصاویر نشان‌دهنده ارتباط با صحنه‌های آشامیدن در دوره عیلام میانه است. به علاوه این صحنه‌ها یادآور نقوش روی مهرهای میتانی و آشوری می‌باشد که نه در ارتباط مستقیم با مهرهای کاسیت که بابل قدیم هستند (Matthews, 1992: pp. 13-15).
۱۷. با این حال، در برخی از نمونه‌های نادر کاسیت، کتیبه عمودی در بالا به صورت افقی ادامه می‌یابد و تشکیل یک قاب را می‌دهد و در موارد بسیار نادر، از طرح افقی آشوری نیز استفاده می‌شود.
۱۸. ر. ک. به: مهرهای استوانه‌ای از فیلکه (Kjærum, 1983) و از چغازنبیل (Porada, 1970: 7-19)، و اثرمهرهای یافت شده در شوش سویدی (Subeidi) در عراق حمیرین (Boehmer, 198: 71-81) (Iraqi Hamrin). از نیبور مهرهای استوانه‌ایی و اثر آن‌ها به دست آمده است، ر. ک. به: Matthews, 1992: 24. مهرهای یافت شده از عیلام، منطقه بابل-کاسیت و خلیج فارس را می‌توان (سبکی مشترک) به عنوان تقلیدی از مهرهای استوانه‌ایی گروه اول در نظر گرفت.
۱۹. با در نظر گرفتن این‌که به طور کلی ایکونوگرافی مهرهای استوانه‌ایی مشابه مهرهای عیلامی است، جنس مهرها به ما کمک می‌کند تا به ماهیت اصلی مهر پی ببریم. اما هنگامی که تنها اثرمهر در دست است امکان تعلق آن به گروه شبه-کاسیت غیرممکن است.
۲۰. در این رابطه ر. ک. به: Roach, 2008, vol. I part II, par. 4.16 “Kassite Related Style”.
21. Tell Zubeidi, Ur, Aššur, Thebes
22. Mycenaean Period
۲۳. گنجینه، از یک لایه ویران شده، هرچند ممکن است از یک کارگاه به دست نیامده باشند. اما به عقیده کاوشگران،



احتمالاً مهرها در درون یک جعبه در طبقه فوقانی یک ساختمان بزرگ و مهم نگه‌داری می‌شدند (Falkenstein, 1964; Platōn-Touloupa, 1964; Touloupa, 1964a; 1964b; 1965).

#### 24. Kidin-Marduk

۲۵. مهرهای آشور میانه مشابهت‌هایی با مهرهای کاسیت و میتانی دارند. اثرمهری که بر روی یک گِل نوشته در آشور یافت شده (۱۴-۱۲ پ.م.) به ما این اجازه را می‌دهد تا به روند تدریجی گسیختن سبک آشور از تأثیرات کاسیت و میتانی پی ببریم؛ بنابراین شاهد گذر از سبک آشور متأثر از اشکال کاسیت به سبک اصیل و مستقل آشور میانه هستیم (Beran, 1957-1958: n. 25; Williams-Forte, 1981: 25-29).

۲۶. یکی از تصاویر رایج بر روی مهرهای بابل قدیم در بین‌النهرین مرکزی تصویر فردی با دستان برافراشته بود، اما این صحنه بر روی مهرهای شبه-کاسیت رایج نبود (Matthews, 1992: 17).

۲۷. به عنوان مثال: در مهر شکل ۱۴، شیتی میله مانند (Marru به زبان آکدی) در ارتباط با خدای مردوک و در اصل نمادی از حفاظت و باروری در کشاورزی است (Ornan 2005: 46; 289; "Marru", CAD 10(1)).

۲۸. مهرهای کاسیت غالباً از سنگ‌های درخشان، رنگی همراه با ناخالصی از قبیل: کلسدون (نوعی کوارتز)، عقیق و لاجورد ساخته می‌شدند.

۲۹. هرچند دوره کاسیت در حدود ۵۰۰ سال به طول انجامید، اما تقریباً تمامی متون حکومتی و اقتصادی بین دوره شاه‌های بوروبوریش دوم (Burnaburiash II) و کاستیلیاش چهارم (Kaštiliaš IV) (تقریباً ۱۵۰ سال) را دربر می‌گیرند.

۳۰. Pritchard 1951 علاوه بر بیند قبور رنگی در طیس (Wreszinski, 1935: tab.115, grave 17; Period of Amenophi II; Wachsmann, 1987: tab. XL).

۳۱. متن کتیبه هیروگلیف است: شاهزاده بزرگ سنگر (Sangar)، کوریگالزو، مصری‌ها بابل را سنگر می‌نامیدند (Collon, 2011). در لیست نام‌های شهرهای حکاک‌ی شده در پایه تندیس آمنوفیس دوم (Amenophis III) نام دو شهر بابل و دور-کوریگالزو (Dür-Kurigalzu) دیده می‌شود (Görg, 1989; 2005).

#### 32. Kurigalzu and Kadashman-Enlil

#### 33. Kadasman-Enlil I and Nazi-Maruttash

#### 34. Kidin-Marduk

#### 35. Burna-Buriaš (II?)

#### 36. Adad-ušabši

۳۷. ایکونوگرافی با گاو ایستاده روی پاهای عقب در کنار درخت زندگی موضوع بسیار قدیمی در بین‌النهرین است که در ارتباط با طبیعت، باروری و نقش مقدس شاه است. شاه نماینده خدا است و همانند خدا تضمین‌کننده تعادل کیهانی بین انسان‌ها است. جانوران بال‌دار، ملکوتی و آسمانی، از طریق درخت زندگی با زمین در ارتباط هستند و با به تصویر کشیدن صحنه‌های متقارن، تعادل زمین و آسمان را تداعی می‌کنند. این نقش و موضوع همواره بر روی مهرهای کاسیت به چشم می‌خورد (Stiehler-Alegria, 1999: 251-262)، در ارتباط با این موضوع ر. ک. به: Kepinski 1982.

۳۸. براساس مطالعات «بران»، تصاویر و اشکال در مهرهای گروه اول با همان وسیله‌ای حک شده‌اند که برای حک کردن کتیبه‌ها به‌کار برده شده است؛ بنابراین خطوط اشکال بیشتر خطی، مسطح و کم‌عمق هستند. این سبک «سبک نوشتاری» نام‌گذاری شده است (Beran, 1957-1958: 274-276).

#### 39. Isin II Dynasty

۴۰. در این خصوص ر. ک. به: Seidl, 1989: nn.76, 79.

#### 41. El-Amarna

۴۲. همگی مهرهای کاسیت به دست آمده از طیس وزنی در حدود ۴۹۶ گرم دارند. براساس نامه‌های «ال-امارن» یک مینا (۵۰۰ گرم، تقریباً معادل یک مینا (Mina) است) لاجورد به عنوان یک هدیه دیپلماتیک استاندارد از پادشاه بابل به فرعون مصر در نظر گرفته می‌شد (Porada, 1981-1982: 68). این امر تئوری (Aruz, 2005: 754; Krzyszkowska, 2005: 304; Pini, 2005: 780) را تأیید می‌کند.

۴۳. برخلاف گِل نوشته‌ها، پاکت‌های بسته‌بندی گِل نوشته‌ها در بیشتر موارد مهرموم می‌شدند. این امر خلایبی بزرگ، به ویژه، برای نقوش ایکونوگرافی مهرهای کاسیتی است که تنها براساس اثرمهرهای روی پاکت‌ها شناخته می‌شوند (Matthews, 1992: nn. 158, 161).

۴۴. در برخی از مهرهای اداری نام شاه و صاحب مهر بر روی مهر حک می‌شد.

#### 45. Karaindash

## کتابنامه

- Al-Gailani, L., 1988, *Studies in the chronology and regional style of old Babylonian cylinder seals*. Undena Publication, Malibu, USA.

- Aruz, J., 2005, "Unravelling the mysteries of the well-travelled seal", *Laffineur and Greco*, Pp: 751-758.

- Beran, T., 1957, "Die babylonische Glyptik der Kassitenzeit". *Archiv für Orientforschung*, No. 18, Pp: 255-278.

- Black, J. A.; George, A. R.; Postgate, J. N. & Breckwoldt, T. eds., 2000, *A concise dictionary of Akkadian* (Vol. 5). Otto Harrassowitz Verlag.
- Boehmer, R. M., 1981, "Glyptik der späten Kassiten-Zeit aus dem nordöstlichen Babylonien. (La glyptique de l'époque Kassite récente dans le Nord-Est de la Babylonie)". *Baghdader Mitteilungen Berlin*, No. 12, Pp: 71-81.
- Brinkman, J. A., 1968, *Political history of Post-Kassite Babylonia* (1158-722 b. C.) (A), Gregorian Biblical BookShop.
- Brinkman, J. A., 1976, *Materials and studies for Kassite history*. Oriental Institute of the University of Chicago.
- Buchanan, B., 1966, *Catalogue of ancient near eastern seals in the Ashmolean Museum: Vol: Cylinder seals*. New York: Clarendon Press, Oxford.
- Collon, D., 1986, *Catalogue of the Western Asiatic seals in the British Museum/Cylinder seals 3 Isin-Larsa and Old Babylonian periods*. Trustees of the British Museum.
- Collon, D., 1987, *First impressions: cylinder seals in the ancient Near East*. British Museum Publication.
- Collon, D., 2007, "Le sceau d'Uluburun KW 1463: «Petit prince» ou «Grand roi»?". *Cahiers du Centre d'Études Chypriotes*, No. 37(1), Pp: 145-156.
- Collon, D., 2011, "The Metsamor seal". *Essays in archaeology and assyriology dedicated to Diederik J. W. Meijer in honour of his 65<sup>th</sup> birthday*, .B. S. Düring [et al.] (Hg.), *Correlates of complexity*. Nederl: Institution voor het Nabije Oosten, Pp: 27-37.
- Ehrenberg, E., 2002, "The Kassite cross revisited". *Mining the Archives, Festschrift for Christopher Walker on his Occasion of his 60<sup>th</sup> Birthday*. Wunsch, C. (ed.). Dresden, Pp: 65-74.
- Eilers, W., 1982, *Geographische Namengebung in und um Iran*. Ein Überblick in Beispielen.
- Falkenstein, A., 1964, "Zu den Siegelzylindern aus Theben". *De Gruyter*, Pp: 108-109.
- Gelb. I. J.; Landsberger, B.; Oppenhei, A. L. & Reiner, E., 1964, *Assyrian Dictionary of the Oriental Institute of the University of Chicago*. Editorial board: Volume 1.1, fourth printing 1998.
- Görg, M., 1989, "Zu einem Siegel mit dem Namen Kurigalzus von Babylonien in Hieroglyphen". Görg M., *Beiträge zur Zeitgeschichte, Ägypten und Altes Testament 2*. Wiesbaden, Pp: 88-89.

- Görg, M., 2005, "Nachträge zur Liste DN". *Die Ortsnamenlisten im nördlichen Säulenhof des Totentempels Amenophis' III*, Edel-Görg 2005, Wiesbaden, Pp: 139-143.
- Grayson, A. K. & Novotny, J., 2012, *The Royal Inscriptions of Sennacherib, King of Assyria (704–681 BC)*, Part 1 (Vol. 3). Eisenbrauns.
- Hadipour M., S. 2020, "Lurištan during the Hellenistic period. An interdisciplinary study of the numismatic collection at Falak-ol-Aflak Museum in Khorram Abad, Lurištan (Iran)". Ph.D. Thesis, Department of Archaeology, History and History of Art, University of Turin.
- Kalantaryan, A., 2007, *Hin Hayastani Voskin: M. t'. a. III haz.–m. t'. XIV d. (The gold of ancient Armenia: III mill. BC-14 cent. AD)*. Yerevan.
- Kepinski-Lecomte, C., 1982, *L'arbre stylisé en Asie occidentale au 2e millénaire avant J.-C*, Éd. Recherche sur le Civilisations. Paris.
- Khanzadyan, E. B. P. & Piotrovskii, B. B., 1984, "Tsilindricheskaya pechat's drevneegipetskoy ieroglificheskoy nadpis 'yu iz Metsamorskogo mogil 'nika'". *Istoriko-Filologicheskii Zhurnal*, No. 4, Pp: 59-65.
- Khanzadyan, E., 2003, "Metsamorskii odinnadzatyi kurgan i pechat zarya Kurigalzu". *Arheologia, Etnologia, Folkloristika Kafkaza*, Pp: 96-102.
- Kjærum, P., 1983, *The stamp and cylinder seals: Plates and catalogue descriptions (Vol. 1)*, Aarhus Universitetsforlag. Jutland Archaeological Society Publications XVII.
- Krzyszkowska, O., 2005, "Travellers' tales: the circulation of seals in the Late Bronze Age Aegean". *Laffineur and Greco*, Pp: 767-775.
- Mahboubian, H., 1995, "Treasures of the Mountains". *The Art of the Medes*. London.
- Marcus, M. I., 1991, "The mosaic glass vessels from Hasanlu, Iran: a study in large-scale stylistic trait distribution". *The Art Bulletin*, No. 73(4), Pp: 536-560.
- Matthews, D. M., 1990, *Principles of composition in Near Eastern Glyphic of the later second Millennium BC* (Vol. 8). Universitätsverlag/Vandenhoeck & Ruprecht.
- Matthews, D. M., 1992, *The Kassite Glyptic of Nippur* (Vol. 116). Universitätsverlag/Vandenhoeck & Ruprecht.
- Mayer, W., 1983, "Sargons Feldzug gegen Urartu-714 v. Chr. Text und Übersetzung". *Mitteilungen der Deutschen Orient-Gesellschaft zu Berlin*, No. 115, Pp: 65-132.
- Mayer, W. R., 2011, "Eine babylonische Weihgabe in Malta". *Orientalia*, No. 80(2), Pp: 141-153.

- Meissner, B., 1915, *Grundzüge der babylonisch-assyrischen Plastik* (Vol. 15). JC Hinrichs. Leipzig.
- Moortgat, A., 1930, "Der Kampf zu Wagen in der Kunst des alten Orients". *Orientalistische Literaturzeitung*, No. 33,(11), Pp: 842-854.
- Moortgat, A., 1940, *Vorderasiatische Rollsiegel: ein Beitrag zur Geschichte der Steinschneidekunst*. Berlin.
- Ornan, T., 2005, *The triumph of the symbol: Pictorial representation of deities in Mesopotamia and the biblical image ban*. (Vol. 213), Saint-Paul.
- Pini, I., 2005, "Seals as an Indicator of Trade". *Laffineur and Greco, Emporia: Aegeans in the Central and Eastern Mediterranean*. Universite de Liege, Pp: 777-784.
- Platōn, N. & Stassinopoulou-Touloupa, E., 1964, *Oriental seals from the Palace of Cadmus: unique discoveries in Boeotian Thebes*.
- Porada, E., 1947, "Seal impressions of Nuzi". *Annual of the American Schools of Oriental Research 1944-1945*. Vol. 24, New Haven.
- Porada, E., 1948, *Corpus of ancient near Eastern seals in North American collections/Vol. 1, The Collection of the Pierpont Morgan Library/ catalogued and ed. by Edith: Porada Plates. Corpus of ancient near Eastern seals in North American collections* New York: Pantheon Books.
- Porada, E., 1952, "On the problem of Kassite glyptic art". *Archaeologia Orientalia in memoriam Ernst Herzfeld*, Locust Valley, J.J. Augustin, Pp: 179-188.
- Porada, E., 1970, *Tchoga Zanbil IV: La Glyptique. Mémoires de la Délégation Archéologique en Iran*. Vol. XLH (Mission de Susiane), Paris.
- Porada, E., 1981, "The cylinder seals found at Thebes in Boeotia". *Archiv für Orientforschung*, No. 28, Pp: 1-70.
- Potts, D. T., 2006, "Elamites and Kassites in the Persian Gulf". *Journal of Near Eastern Studies*, No. 65(2), Pp: 111-119.
- Pritchard, J. B., 1951, "Syrians as Pictured in the Paintings of the Theban Tombs". *Bulletin of the American Schools of Oriental Research*, No. 122(1), Pp: 36-41.
- Schmidt, E. F.; Loon, M. N. V. & Curvers, H. H., 1989, *The Holmes Expeditions to Luristan*. Oriental Institute of the University of Chicago.
- Seidl, U., 1989, *Die babylonischen Kudurru-Reliefs*, Fribourg: Orbis Biblicus et Orientalis 87 and Göttingen.
- Sommerfeld, W.; Sasson, J. M. & Baines, J., 1995, "The Kassites of ancient Mesopotamia: origins, politics, and culture". *Civilizations of the ancient Near East*. No. 2, Pp: 917-930.



- Stein, D. L., 1989, "A Reappraisal of the "Sauštar Letter" from Nuzi". *Zeitschrift für Assyriologie und vorderasiatische Archäologie*, No. 79 (1), Pp: 36-60.
- Stein, D. L., 1997, "Common Mitannian and pseudo-Kassite. A question of quality and class". *De Chypre a la Bactriane. Les sceaux du Proche-Orient ancien*, Caubet, A. Paris, Pp: 73-115
- Stiehler-Alegria, D. G., 1996, *Die Kassitische Glyptik*. Münchener Vorderasiatische Studien 18. München/Wien: Profil-Verlag.
- Stiehler-Alegria, G., 1999, "Das Rollsiegel BM 89091 Und Seine Stellung Innerhalb Der Kassitischen Ikonographie". *ISIMU*. No. 2, Pp: 251-262.
- Teissier, B., 1984, *Ancient Near Eastern cylinder seals from the Marcopoli collection*. University of California Press.
- Touloupa, Έβη., 1964a, "Bericht uber die neuen Ausgrabungen in Theben". *Kadmos*, No. 3/1, Pp: 25-27.
- Touloupa, Έβη., 1964b, "Αρχαιότητες και μνημεία της Βοιωτίας". *Αρχαιολογικόν Δελτίον Χρονικά (Archaiologikon Deltion Chronika)*, No. 19 (B2), Pp: 194-195.
- Touloupa, Έβη., 1965, "Αρχαιότητες και μνημεία της Βοιωτίας". *Αρχαιολογικόν Δελτίον Χρονικά (Archaiologikon Deltion Chronika)*, No. 20 (B2), Pp: 230-232.
- Trokay, M., 1981, "Glyptique cassite tardive ou postcassite?". *Akkadica*, No. 21, Pp: 14-43.
- Trokay, M., 1996, "Glyptique pseudo-kassite: glyptique kassite commune", Ö. Tunca/D. Deheselle (Hg.), *Tablettes et images aux pays de Sumer et d'Akkad*. Mélanges offerts à Monsieur H. Limet. Liège, Pp: 207-213.
- Vallat, F., 1996, *Le royaume Elamite de samati*. Nouvelles Assyriologiques.
- Van Buren, E. D., 1954a, "The Esoteric Significance of Kassite Glyptic Art". *Orientalia*, No. 23(1), Pp: 1-39.
- Van Buren, E. D., 1954b, "Seals of the Second Half of the Layard Collection". *Orientalia Nova Series*, No. 23, Pp: 97-113.
- Wachsmann, S. & Wachsmann, A., 1987, *Aegeans in the Theban tombs* (Vol. 20), Peeters Publishers.
- Williams-Forte, E., 1981, "Rollsiegel der mitannischen und kassitischen Zeit". *Archäologie zur Bibel, Kunstschatze aus den Biblischen Ländern*. Muscarella, O. W.. Mainz, Pp: 125-129.

- Wreszinski, W., 1935, "Atlas zur altägyptischen Kulturgeschichte/2". *Atlas zur altägyptischen Kulturgeschichte*. Ann. Naturhist. Mus. Wien 88, 89, Pp: 345-350.
- Zadok, R., 2002, "The ethno-linguistic character of northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian period". *Iran*, No. 40(1), Pp: 89-151.
- Touloupa, Έβη., 1966, "Αρχαιότητες και μνημεία της Βοιωτίας". *Αρχαιολογικόν Δελτίον Χρονικά (Archaiologikon Deltion Chronika)*. No. 21 (B1), Pp: 177-180.